

فریدون جنیدی از پژوهش ۳۰ ساله‌اش بر «شاهنامه» گم‌گشته ایرانیان می‌گوید

<http://www.isna.ir/Main/NewsView.aspx?ID=News-۶۴۲۰۹۱>

ایسنا: خبرگزاری دانشجویان ایران - ایران - تهران



در یک خانه‌ی کاملاً ایرانی، پیرمرد با ۶۶ سال سن، نیمی از عمرش را صرف ویرایش «شاهنامه» کرده و با خود عهد بسته که زندگی‌اش را صرف فرهنگ ایران کند.

بخش ادب
خبرگزاری دانشجویان
ایران (ایسنا)، در یک

عصر زمستانی پای صحبت‌های فریدون جنیدی - پژوهشگر فرهنگ باستان - نشست؛ کسی که مهم‌ترین دغدغه‌ی زندگی‌اش رساندن نسخه‌ی سره‌ی شاهنامه به دست ایرانیان بوده است. ۳۰ سال روی شاهنامه پژوهش کرده و بیت‌هایی را که به اعتقاد او به این میراث ملی افزوده شده، یافته و بعد از این همه سال قصد دارد سال آینده حاصل تلاش فرهنگی ۳۰ ساله‌اش را منتشر کند.

از سال ۱۳۵۴ مطالعه بر روی شاهنامه را آغاز کرده و می‌گوید: بعد از مدت کوتاهی که شاهنامه را خواندم، دریافتم بیت‌هایی از آن با بیت‌هایی دیگر مطابقت ندارند؛ یعنی رویدادی که در شاهنامه بود، در آینده به گونه‌ای دیگر روایت می‌شد. همان زمان بدون ویرایش شاهنامه، آن‌ها را در حاشیه‌اش می‌نوشتم که مطابقت ندارد. هر چه پیش‌تر می‌رفتم، می‌دیدم بیت‌هایی نمی‌تواند از آن شاهنامه باشد.

زمانی که تصمیم گرفت روی شاهنامه کار کند، شاهنامه‌ی مسکو تنها نسخه موجود برای تطبیق بود؛ اما او در آغاز کار به آن دست نیافت. هر چه برداشت کرد، در واقع برداشت شخصی‌اش بود که گمان می‌کرد آن بیت‌ها برای فردوسی نبوده است.

در همان دوره نوشتن «۱۱ داستان رستم پهلوان» را برای جوانان شروع کرد.

گاهی می‌دید ترجمه‌ی بیتی از شاهنامه از خود شعر زیباتر می‌شود، به دلیل عشق بسیاری که به فردوسی داشته، سعی می‌کرد این بیت‌ها را به نثر برنگرداند؛ چرا که نمی‌خواست کار او برتر از فردوسی باشد. وقتی کارش را جدی‌تر ادامه داد، فهمید این بیت‌ها همان بیت‌هایی است که به فردوسی تعلق ندارند.

می‌گوید: هرگز نمی‌خواستم کار ویرایش شاهنامه را به‌طور کامل انجام دهم. دوستی به من گفت اگر کل شاهنامه را ویرایش نکنی؛ خیانت بزرگی کرده‌ای؛ این حرف در قلب من کارساز شد و ویرایش آن را شروع کردم.

او معتقد است: کسی که شاهنامه را ویرایش می‌کند، باید ابتدا با زبان‌های باستانی آشنا باشد؛ زیرا اصل شاهنامه از روی زبان‌های پهلوی و اوستایی ترجمه شده است.

"خیلی از این سردرگمی‌ها به این دلیل است که بسیاری از کسانی که شاهنامه را ویرایش می‌کنند، زبان‌های باستانی را نمی‌دانند. علاوه بر این کسی که شاهنامه را ویرایش می‌کند، باید فرهنگ ایران باستان را بشناسد؛ چراکه مطالبی در شاهنامه آمده که به فرهنگ ایران باستان مربوط است."

جنیدی همچنین آگاهی از راز و رمزهای پنهان شعر فارسی را از دیگر شاخصه‌های یک ویرایشگر شاهنامه می‌داند و ادامه می‌دهد: اگر کسی که شاهنامه را ویرایش می‌کند، شاعری نیرومند باشد، شعرهای تحریف‌شده را تشخیص می‌دهد. همچنین چون در شاهنامه از اختر و نجوم سخن بسیار رفته، پژوهشگر شاهنامه، باید از علم نجوم هم آگاهی داشته باشد.

وی ادامه می‌دهد: در شاهنامه صحنه‌های نبرد و جنگ بسیار زیاد است، کسی که آن را ویرایش می‌کند، باید از فن‌های جنگی هم مطلع باشد. علاوه بر آن یک ویرایشگر شاهنامه، باید با دشت‌ها، کوه‌ها و شهرهای ایران آشنا باشد؛ تا اگر در جریان داستان‌ها شعر افزوده‌ای باشد، ناهماهنگی آن‌ها را از این طریق دریابد.

این پژوهشگر، آشنایی با اندیشه‌های دینی ایران باستان را از دیگر ملزومات یک مصحح شاهنامه یاد می‌کند.

او وقتی تمام این موارد را بررسی کرده، دیده که خداوند همه‌ی آن‌ها را به او داده است و اگر او شاهنامه را ویرایش نکند، به فرهنگ ایران خیانت کرده است.

تا امروز هفت بار شاهنامه‌ای را که در دست دارد، ویرایش کرده؛ همان شاهنامه‌ای که سال آینده به دست ایرانیان می‌رسد که تمام بیت‌های افزوده به شاهنامه را دربرمی‌گیرد و برای هر کدام، پنج دلیل برای افزوده بودن آن بیت آورده است.

وی درباره‌ی این که چرا به شاهنامه این همه بیت افزوده شده، معتقد است: ترجمه شاهنامه از متن‌های اوستایی و پهلوی به فارسی به فرمان

"نوشه روان محمد بن عبدالرزاق توسی پوربابک خراسانی" بوده است که در این کار چند نفر شریک بوده‌اند. سپس "ابومنصور معمری" - وزیر "ابومنصور" - آن را به نثر شیوای فارسی برگرداند. این کتاب دست به دست می‌شد و ایرانیان آن را می‌خواندند. امروز متأسفانه اصل کتاب در دست نیست؛ تنها مقدمه‌ی شاهنامه ابو منصور در دست است.

جنیدی ادامه می‌دهد: پس از کشته شدن ابومنصور عبدالرزاق، "دقیقی" آن‌را به دست می‌گیرد، ولی مرگ به دقیقی امان نمی‌دهد. زمانی که فردوسی کارش را آغاز کرد، "امیرک منصور" - پسر ابومنصور - به او اعلام یآوری کرد.

جنیدی اکنون مسوول بنیاد نیشابور است و در این بنیاد به صورت "اقتخاری" - به قول خودش -؛ نه "رایگان" - به قول ما -، زبان‌های باستانی و شاهنامه را تدریس می‌کند.

در سال ۵۸ وقتی آشفته‌گی بازار فرهنگ ایران را - که بیشتر به قبل از انقلاب باز می‌گشت - دیده، به فکر تاسیس سازمان ملی به صورت خصوصی می‌افتد. بنیاد نیشابور را تاسیس و تمام زندگی‌اش را صرف آن می‌کند. با خود عهد کرده که زندگی‌اش را برای فرهنگ ایران صرف کند. به ایسنا می‌گوید: کسی که جان و تنش را فدای ایران می‌کند، برای کارهای فرهنگی که سودش به جوانان ایران می‌رسد، نباید چشم‌داشت مالی داشته باشد.

در هر گوشه و کنار خانه‌ی قدیمی فریدون جنیدی، عکسی از فرزند از دست‌رفته‌اش به دیوار نصب شده و به آدم‌ها چشم دوخته... سکوت این خانه کمی آزاردهنده است؛ ولی با این همه پیرمرد تنها نیست، چراکه فرزندان ایران را فرزندان خود می‌داند و بزرگ‌ترین افتخارش به فرزندان این مرز و بوم را، تدریس شاهنامه و زبان‌های باستانی که میراث کهن ما ایرانیان است، عنوان می‌کند. این است که شاگردانش هم احساس پدر و فرزندی را با تمام وجود به این مرد می‌رسانند.

کتاب‌خانه‌ی گرد و غبار گرفته‌اش مملو از انبوه کتاب‌های زبان‌های باستانی است که سال‌ها روی آن‌ها پژوهش کرده و باورمان نمی‌شود که در روزگاران گذشته اجداد ما با آن سخن می‌گفته‌اند؛ چراکه این زبان، امروز رو به فراموشی است.

او سال‌هاست زبان‌های باستانی را تدریس می‌کند و معتقد است که دانشگاه‌های ما زبان‌های باستانی را خوب یاد نمی‌دهند. به همین دلیل به آموزش آن‌ها تصمیم می‌گیرد.

جنیدی به خبرنگاران ایسنا می‌گوید: یک ایرانی باید از ریشه‌ی خود آگاهی داشته باشد. گم‌گشته‌ی ما ایرانیان تنها شاهنامه‌ی فردوسی است، چاره‌ی درد این مردم برای آگاهی از گذشته‌ی پرافتخارشان این است که شاهنامه را بخوانند. این شده دلیل محکمی که این پژوهشگر تمام عمرش را صرف شناساندن شاهنامه و آموزش آن به جوانان کند.

او از این موضوع گلایه دارد که عرب‌ها به دوران جاهلیت خود افتخار می‌کنند، اما ایرانیان به گذشته‌ی درخشان و پرافتخارشان توجهی نشان نمی‌دهند.

بنیاد نیشابور جایی قدیمی و کوچک و با امکاناتی نه‌چندان، مکانی است که او با عشق به ایران و شاهنامه، فرهنگ ریشه‌دار ایران را به جوانان یادآوری می‌کند و به آن‌ها، آن فرهنگ غنی چند هزار ساله را می‌شناساند.

فریدون جنیدی متولد ۱۳۱۸ نیشابور است که علاوه بر ۳۰ سال پژوهش بر روی شاهنامه و ویرایش آن، تاکنون ۳۰ جلد کتاب درباره‌ی فرهنگ و تاریخ ایران نوشته است؛ از جمله‌ی آنها: "زندگی و مهاجرت آریاییان بر پایه‌ی گفتارهای ایران"، "فرهنگ واژه‌های اوستایی"، "حقوق بشر جهان امروز و حقوق جهان در ایران باستان"، "زمینه‌ی شناخت موسیقی ایرانی"، "نامه‌ی فرهنگ ایران"، "داستان‌های شاهنامه"، "سرگذشت ایران" است.

علاوه بر این آثار، جلد دوم "زندگی و مهاجرت آریاییان بر پایه‌های گفتارهای ایران" را با افزوده‌های بیشتری با نام "داستان ایران" برای چاپ آماده دارد.

گزارش _ گفت‌وگو از: خبرنگار ایسنا، زینب کاظم‌خواه